انکار متهمان در قتل پسر معتاد

معمای قتل زیر «درخت آرامش»

گروه حوادث: کامران علمدهی/ متهمان پرونده قتل پسر جوان در یک کمپ ترک اعتیاد در حالی خود را بی گناه می‌دانستند که بر اساس مدارک مستند، یکصد ضربه با مشت و لگد به مقتول زده بودند.

به گزارش «ایران»، اسفند سال ۱۴۰۲ گزارش مرگ مشکوک پسری ۲۵ ساله در یکی از کمپ‌های ترک اعتیاد توسط تکنیسین‌های اورژانس به پلیس اعلام شد. پس از حضور مأموران و بررسی‌های اولیه مشخص شد که وی در جریان ضرب و شتم و بسته شدن به درخت داخل حیاط کمپ به قتل رسیده است. کارشناسان پزشکی قانونی نیز در گزارشی اعلام کردند که وی به خاطر اختلال در تنفس ناشی از وضعیت بسته شدن به درخت و نرسیدن اکسیژن فوت کرده است. با تحقیقات میدانی، اظهارات شهود و بازبینی دوربین‌های مداربسته داخل کمپ، کارآگاهان ۴ ضارب به نام‌های محسن، نوید، بهرام و خسرو را بازداشت کردند. متهمان در مراحل بازجویی به ضرب و شتم پسر معتاد اعتراف کردند و با تکمیل تحقیقات، پرونده به اتهام مشارکت در قتل عمدی برای رسیدگی به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه پدر و مادر مقتول برای عاملان قتل فرزندشان تقاضای قصاص کردند. سپس محسن به جایگاه رفت و با ابراز ندامت گفت: «مقتول آدم آرامی نبود. روز حادثه بی‌قراری و پرخاشگری کرد. ما به دستور خسرو سعی کردیم او را آرام کنیم اما به ما هم حمله کرد و به ناچار چند مشت و لگد به او زدم.»

قاضی پرسید: «دقیق بگویید چند ضربه؟»

متهم جواب داد: «یادم نیست فکر می‌کنم ۷-۸ ضربه به بدنش زدم.»

قاضی گفت: «اما بر اساس گزارش‌های پلیس و دادسرا و بر اساس پیاده‌سازی فیلم دوربین مداربسته محل جنایت، شما ۴۱ ضربه به مرحوم زدید.»

متهم گفت: «شرمنده خانواده‌اش هستم. خودم سعی کردم او را با کمک‌های اولیه و تنفس مصنوعی احیا کنم بعد که دیدم جواب نمی‌دهد، با اورژانس تماس گرفتیم.»

بعد از آن وکیل متهم در دفاع از موکلش گفت: «پزشکی قانونی علت مرگ را خفگی اعلام کرده و ضرب و شتم تأثیری در ماجرا نداشته است. البته بستن بیماران به درخت در کمپ امری متداول بوده و همه افرادی که دچار بی‌قراری می‌شوند، به آن درخت بسته می‌شدند.»

در ادامه نوید به جایگاه رفت و گفت: «من آشپز کمپ بودم؛ روز حادثه به دستور خسرو که مدیر داخلی است، ۳ ضربه به مقتول زدم. من نقشی در مرگ او ندارم و اتهامم را نیز قبول ندارم.»

وکیل نوید هم گفت: «بستن معتادان به درخت امری مرسوم است و در بین خود افراد حاضر در کمپ آن درخت به نام درخت آرامش شناخته می‌شود.»

متهم سوم بهرام بود که او نیز اتهامش را رد کرد و گفت: «من با مقتول رابطه خوبی داشتم. همیشه به من می‌گفت پدرم عامل اعتیادم من است و از او ناراحتم و دلم می‌خواهد او را بکشم. روز حادثه وقتی دیدم بی‌قراری می‌کند، به خواسته مدیر داخلی کمپ او را به درخت بستیم و چند ضربه به او زدم اما حالش بد شد و به دستور مدیر کمپ که تلفنی با ما در ارتباط بود، با اورژانس تماس گرفتیم.»

سپس قاضی به متهمان گفت: «طبق گزارش فیلم محل حادثه شما بیش از ۱۰۰ ضربه به مرحوم زده‌اید و حالا می‌گویید بی‌گناه هستید؟»

سپس خسرو مدیر داخلی کمپ به جایگاه رفت و به قضات گفت: «من خودم در همان کمپ ترک کردم. به خاطر اینکه بیشتر از بقیه در آنجا حضور داشتم، من را به عنوان مدیر داخلی می‌شناختند اما من بدون اجازه مدیر کمپ کاری انجام نمی‌دادم. ما او را با دستور مدیر کمپ چند دفعه به درخت بسته بودیم و وقتی آرام می‌شد، رهایش می‌کردیم. اما این بار او فوت کرد. من ۳ ضربه زدم دو تا به پا و یکی به گردن»

قاضی گفت: «آیا مرحوم پاک شده بود یا هنوز اعتیاد داشت؟»

خسرو جواب داد: «روز چهاردهم پاکی‌اش بود.»

در ادامه وکیل اولیای دم گفت: «همکاران من برای دفاع از موکلان‌شان می‌خواهند درخت را مقصر نشان دهند در حالی که مرحوم ضربات متعددی خورده و بعد هم در حالت سستی و بی حالی به درخت بسته شده بود. من یک درخواست دارم؛ چرا مدیر کمپ که باید اینجا پاسخگوی اتفاقی که در مجموعه‌اش افتاده باشد، در دادگاه حضور ندارد؟ درخواست دارم تا او را احضار کنید.»

پس از آن قضات وارد شور شدند و مقرر شد تا دادگاه با حضور مدیر کمپ بار دیگر برگزار شود.

در جلسه دوم این پرونده مدیر کمپ به سؤالات قضات پاسخ داد.

او در پاسخ به این سؤال که روز حادثه شما کجا بودی، گفت: «برای تمدید پروانه کمپ به بهزیستی رفته بودم که به من خبر دادند حال یکی از بیماران بد شده گفتم با اورژانس تماس بگیرید تا من هم خودم را برسانم. حتی کارم را نیمه کاره رها کردم و برگشتم.»

قضات پرسیدند: «شما دستور داده بودی که مرحوم را ببندند؟»

مدیرکمپ جواب داد: «بستن به درخت امری مرسوم است. ما بیماران را با طناب پارچه‌ای به درخت می‌بندیم تا هم به خودشان و هم به دیگران آسیب نزنند. مرحوم یکسال قبل هم به کمپ ما آمده و ترک کرده بود اما دوباره لغزید.»

پس از اظهارات مدیرکمپ، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

خبر

اسیدپاشی به خاطر ورشکستگی در بازار ارز دیجیتال

گروه حوادث/ مرد خشمگین که شریک قدیمی‌اش را عامل ورشکستگی خود می‌دید، در اقدامی جنون‌آمیز با ریختن اسید باعث سوختگی و جراحت شدید او شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل مسئولان یکی از بیمارستان‌های تهران در تماس با پلیس از یک اسیدپاشی روی مردی جوان خبر دادند. وقتی مأموران به بیمارستان رفتند، در تحقیقات اولیه دریافتند مردی ۳۵ ساله مقابل خانه‌اش در مرکز شهر هدف اسیدپاشی قرار گرفته و از ناحیه دست و صورت بشدت دچار سوختگی شده و تحت درمان است. با شروع روند درمانی سرانجام بعد از چند روز که مرد جوان قادر به صحبت شد، عامل این اسید پاشی را یکی از دوستانش معرفی کرد.

روز گذشته نیز وی در حالی که بهبود نسبی پیدا کرده بود، برای ثبت شکایت به شعبه نهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران رفت و به قاضی عظیم سهرابی گفت: «من در کار خرید و فروش ارز دیجیتال هستم، سال‌هاست که در این حرفه کار می‌کنم و آشنایی کامل با آن دارم. مدتی قبل یکی از دوستانم به نام وحید به سراغم آمد و خواست که با من شریک شود. به او گفتم قبل از شراکت باید آموزش ببیند تا بتواند در این حرفه درست قدم بردارد. او هم قبول کرد و قرار شد من خودم به او آموزش بدهم، بعد هم شراکتمان شروع شد اما بعد از مدتی به او گفتم دیگر نمی‌خواهم با تو شراکت کنم و از هم جدا شدیم.» مرد جوان ادامه داد: «مدتی از وحید بی‌خبر بودم تااینکه روز حادثه وقتی در خانه نشسته بودم ناگهان از صدای شکستن شیشه‌های خانه وحشت زده شدم. یک نفر با سنگ شیشه‌ها را می‌شکست. با عجله به خیابان رفتم تا ببینم چه کسی این کار را کرده که وحید را دیدم. خیلی تعجب کردم اما او با عصبانیت و در حالی که فریاد می‌زد، به من گفت تو باعث بدبختی من شدی، تو مرا به خاک سیاه نشاندی. گفتم چه می‌گویی؟ چه اتفاقی افتاده؟ که گفت «تو مرا وارد این بازار کردی ولی وقتی تو شراکتت را با من به هم زدی، من با چند نفر دیگر شریک شدم که آنها سرم کلاه گذاشتند و من ورشکست شدم و همه زندگی و دارایی‌ام را از دست دادم.»

هر چه گفتم این موضوع به من ربطی ندارد اما گوش نمی‌کرد. بعد هم یک بطری آب دستش بود که در آن را باز کرد. من فکر کردم می‌خواهد آب بخورد تا عصبانیتش کم شود اما ناگهان مایع داخل بطری را روی سر و صورت من پاشید که در یک لحظه دنیا برایم تیره وتار شد و احساس سوختگی شدیدی کردم و تازه فهمیدم اسید روی من ریخته است. بعد هم سوار خودرواش شد و فرار کرد.» با شکایت مرد جوان دستور بازداشت مرد اسیدپاش صادر شد و تحقیقات برای دستگیری وی ادامه دارد تا انگیزه اصلی وی از این اسیدپاشی روشن شود.

سرقت از سالمندان در بهشت زهرا(س)

گروه حوادث/ دو زن سارق که با بیهوش کردن سالمندان در بهشت زهرا(س)، اموالشان را سرقت می‌کردند از سوی پلیس دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اواخر آبان امسال، یک خانم ۷۵ ساله به پلیس مراجعه کرد و گفت: «در ایستگاه مترو، با دو زن آشنا شدم وقتی فهمیدند می‌خواهم به بهشت زهرا برای زیارت اهل قبور بروم به بهانه کمک کردن به من، تا محدوده بهشت زهرا مرا همراهی کردند. اما بین راه با خوراندن آبمیوه مسموم، بیهوشم کردند. وقتی به هوش آمدم متوجه شدم که تلفن همراه و دستبند طلایم به سرقت رفته است.»

سردار علی‌ولیپور گودرزی رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: «بلافاصله پس از طرح شکایت و وصول پرونده، کارآگاهان اداره پنجم مبارزه با سرقت به عنف با انجام اقدامات پلیسی، موفق به شناسایی و دستگیری متهم اول شدند و این زن، همدست خود را نیز به پلیس لو داد. متهم دوم نیز در محدوده گیشا شناسایی و دستگیر شد.»

وی از شهروندان خواست اگر به این شکل مورد سرقت قرار گرفته‌اند به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه کنند.

انتقام از صاحبکار به قیمت جان پسرخاله

گروه حوادث/ کارگر کفاشی که با آتش زدن کارگاه صاحبکارش باعث مرگ پسر خاله خود شده و با رأی قضات به پرداخت دیه محکوم شده بود پس از ۸ سال از زندان آزاد شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، زمستان سال ۹۶ با اعلام خبر آتش‌سوزی یک کارگاه کفاشی به آتش‌نشانی امدادگران بلافاصله راهی محل شده و پس از تلاش فراوان موفق به مهار آتش شدند اما از داخل کارگاه پیکرهای سوخته دو پسر جوان را پیدا کرده و بیرون کشیدند. با انتقال آنها به بیمارستان یکی از پسرها جان باخت و دیگری زنده ماند.

با شروع تحقیقات مشخص شد آتش‌سوزی عمدی بوده است بنابراین خانواده پسر فوت شده با شکایت از عامل آتش‌سوزی خواهان پیگیری پرونده قتل پسرشان شدند. در ادامه بررسی‌ها سرانجام پسر جوانی که زنده مانده بود لب به اعتراف گشود و گفت: «من مقصر مرگ پسر خاله‌ام بودم. ما هر دو کارگر کارگاه کفاشی بودیم اما مدتی بود که صاحبکارمان حقوق مرا بموقع و کامل پرداخت نمی‌کرد هر چه اعتراض می‌کردم فایده نداشت تا اینکه روز حادثه برای اینکه او را بترسانم و تهدیدش کنم با یک ظرف بنزین وارد کارگاه شدم قصدم آتش زدن آنجا نبود اما ناگهان همه جا آتش گرفت صاحبکارم فرار کرد و من بین شعله‌ها گرفتار شدم پسرخاله‌ام وقتی اوضاع را آنطور دید برای نجات من جلوآمد می‌خواست مرا از بین شعله‌ها نجات دهد اما خودش هم سوخت و بعد هم جان باخت.»

با اعترافات متهم، خاله و شوهر خاله‌اش که از واقعیت با خبر شدند او را بخشیدند و پس از محاکمه وی در دادگاه کیفری، قضات دادگاه نیز با توجه به اینکه قتل شبه عمد تشخیص داده شد وی را به پرداخت دیه محکوم کردند. اما با گذشت حدود ۸ سال از این ماجرا با توجه به اینکه پسر جوان توانایی پرداخت دیه را نداشت درخواست اعسار داد و بدین ترتیب با پذیرش درخواست اعسار و همچنین رضایت پدر و مادر مقتول، وی آزاد شد تا بتواند با کار کردن دیه را پرداخت کند.

حوادث جهان

هندوستان

تصادف قطار با گله فیل‌ها

مقامات محلی هند اعلام کردند در پی برخورد یک قطار مسافربری سریع‌السیر با گله فیل‌هایی که در حال عبور از روی ریل در ایالت «آسام» واقع در شمال شرق این کشور بودند، هفت فیل وحشی آسیایی کشته و یک بچه فیل زخمی شدند. «کاپینجال کیشور شارما»، سخنگوی راه‌آهن هند به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت که راننده قطار، گله‌ای شامل حدود ۱۰۰ رأس فیل را مشاهده و از ترمز اضطراری استفاده کرد اما قطار همچنان به برخی از فیل‌ها برخورد کرد. شارما گفت پنج واگن قطار و موتور پس از برخورد از ریل خارج شدند اما هیچ تلفات انسانی وجود نداشت. دامپزشکان، کالبدشکافی فیل‌های مرده را انجام دادند. مقامات نیز گفته‌اند که محل حادثه، منطقه‌ای جنگلی بوده است. برخورد قطارهای پرسرعت با فیل‌های وحشی در آسام اتفاق نادری نیست. از سال ۲۰۲۰، چندین فیل در سراسر ایالت، توسط قطارهای پرسرعت تلف شده‌اند.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۴۹۱۸

آسان

۲		۷						۴
					۱	۳		۵
۵	۸	۳		۴	۷	۱		
				۹	۴		۸	۶
		۹	۱		۸	۲		
۸	۴		۲	۶				
		۴	۵	۸		۶	۱	۷
۹		۱	۳					
۷						۹		۲

متوسط

۹			۷					
	۱	۴	۳					
		۷		۹	۵	۱	۴	
۴				۶		۷		
۸				۳				۹
		۳		۵				۸
	۲	۹	۵	۷		۶		
					۳	۵	۲	
		۴		۲		۱		

سخت

			۲	۹	۴			۵
			۳				۴	۸
							۷	
۷							۵	۱
	۲			۱			۶	
۳	۸							۲
	۷							
۴	۳				۹			
۲			۸	۶	۳			

خیلی سخت

		۷		۳		۹		
				۸	۱		۴	۳
	۲			۵				
								۵
۲		۵		۷		۸		۱
۷								
				۹			۳	
۵	۱		۸	۶				
		۴		۲		۱		

حل جدول سودوکو شماره ۴۹۱۸

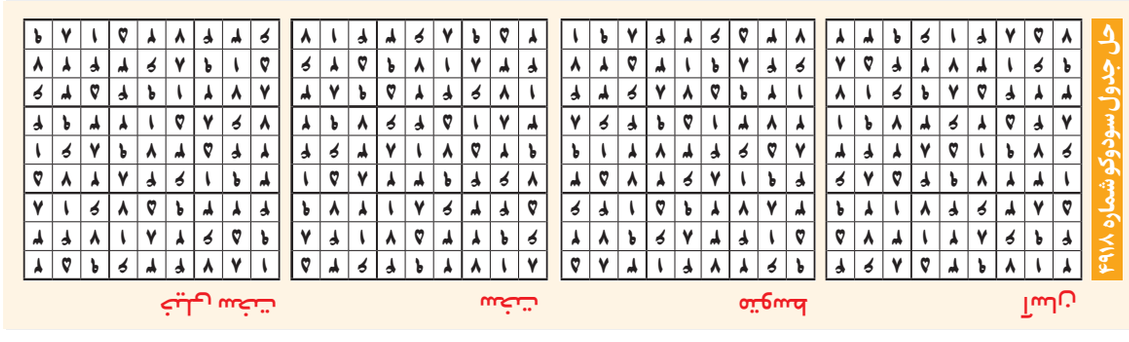

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۹۱۶

جدول عادی

افقی:

۱- دچار شدن به بیماری - شیرینی سنتی گیلانی
۲- مردم بومی این جزیره کشورمان از صید ماهی و مروارید امرار معاش می‌کنند - با «ولز» می‌آید- درجه حرارت
۳- حرف پیروزی - مادر آذری - دندان‌های نیش - گرداگرد لب
۴- واحد جعبه سیگار - از اعداد ترتیبی - مخلوقات
۵- نوشته‌های مذهبی ریشه گرفته از هند باستان - درس دادن - پادشاه پیشدادی
۶- مته - سربها - سالک و رونده
۷- صفرا - راهی سفر - نوعی از پخت برنج
۸- نت پنجم - رئیس و سرپرست - حرف ندا
۹- نخ تابیده - جناح لشکر - حوله
۱۰- برادری - راه - صدای ناراحتی زنانه!
۱۱- نادر و پیدا نشدنی - چیزی که مال چند نفر است - مخففِ انار
۱۲- لوله تغذیه و آبرسانی گیاه - در آغاز مکالمه تلفنی برای توجه مخاطب گویند - شهر «رشته‌کوه بشاگرد» در استان هرمزگان
۱۳- تردید - بساوایی - کشور مبارک - عدد دایره
۱۴- سوغات گجرات - با محرم اسرار بگویید - کمد داخل خودرو
۱۵- هرزه‌گویی - دستگاه هواساز

عمودی:

۱- وسیله نقلیه طویل - یک نوع حساب‌کتاب
۲- اساس - دلداده حضرت یوسف(ع) - اغما
۳- دمای غیرعادی بدن - چهارچوب - گوشت گیاهی - چهره
۴- جامه - نوعی تن‌پوش - اثر سوختگی بر پوست
۵- لایه جوی - به هم رسیدن - شهر مقدس برهمائیان
۶- راه راست یافته - بسط دهنده - درآوردنی از روزگار
۷- شریان بدن - ناموس، آبرو - ریز نمرات - پاداش نیکی یا بدی
۸- کاپیتان پرسپولیس
۹- رود ساری - بسیار روان - عمل کشتن - ماه سرد
۱۰- نام «امامی» بازیگر خانم - عدد بلبل! - خواب خوش
۱۱- گنجینه - دندان‌سای - دست گره کرده
۱۲- اعتقاد داشتن - سنگ انداختن - ظرفیت
۱۳- عدد رمز - دومین شهر پرجمعیت کشورمان - غیر بیگانه - ایالت «سوئیس»
۱۴- بی‌بیمی - طبیعی و بهنجار - آب‌افشان
۱۵- صداقت - گلی زینتی

جدول ویژه

افقی:

۱- محل احتکار - سریالی با هنرنمایی رویا نونهالی
۲- اثر عبید زاکانی - قالی - کوچک‌ترین واحد زبان گفتاری
۳- جام جهان‌نما - استراحتگاه گوسفندان - حرکتی در فوتبال - جنس جنگجو
۴- یواش - صدا - گاو پیشانی سفید مصریان
۵- بخشنده و بلندهمت - به‌معنی ملکه - نژاد روسی
۶- از غلات - شهر «انگلیس» - جزا
۷- یاور ستمدیده - امر به ماندن - محل پرتاب موشک
۸- درک - کتاب «داریو فو» - از ویتامین‌ها
۹- عضو اصلی تنفس - مدرسه عالی - وسیله وزنه‌برداری
۱۰- مار خطرناک - دلیل، وجه - با اهمیت
۱۱- وسیله باد کردن لاستیک - تولد بزرگان دینی - سهولت
۱۲- زیادی، هرز - پهلوان - جنگجو
۱۳- زائوترسان - فیلم آیدا پناهنده - ول و یله - شهر «هلند»
۱۴- بزرگ‌جثه - فیلم «استیون اسپیلبرگ» - سبک شعر «ابن یمین»
۱۵- استانی در «اروگوئه» - تابلوی «رنوار»

عمودی:

۱- یکی از شاهان توران در شاهنامه - اثری از «یوهان اشتراوس» موسیقیدان اتریشی
۲- مدلی در عکاسی - یک واحد لگاریتمی - روی و چهره
۳- خوش‌منش - اذیت - تنگه جنوب کشور - نقش هنری
۴- سربالی با بازی لاله مرزبان - خرقه - ماه دوم خزان
۵- مرغزار - عروسک جالیز - داد و فریاد مردم
۶- اندوه، دلتنگی - شهری تاریخی در آذربایجان شرقی - عضو ورودی غذا
۷- احسنت - چاهی در جهنم - شعله آتش - مقیاس
۸- اثر «فیلیپ. کی. دیک»
۹- ادای پیمان - مترسک - نیمی از خروار - منش
۱۰- حنا - نیمی از دیدار! - حکاک آلمانی
۱۱- اختاپوس - پشیمانی - زنبور کارتونی
۱۲- خطرپذیری - آزاد - دروغ نیست
۱۳- پاروی قایقران - نرم و روان - بازشناسی - رود «سوئیس»
۱۴- رود مرزی سرخس - عقیده‌ها و اندیشه‌ها - بلدرچین
۱۵- مدافع چپ «ناپولی» - شهر «مقدونیه»

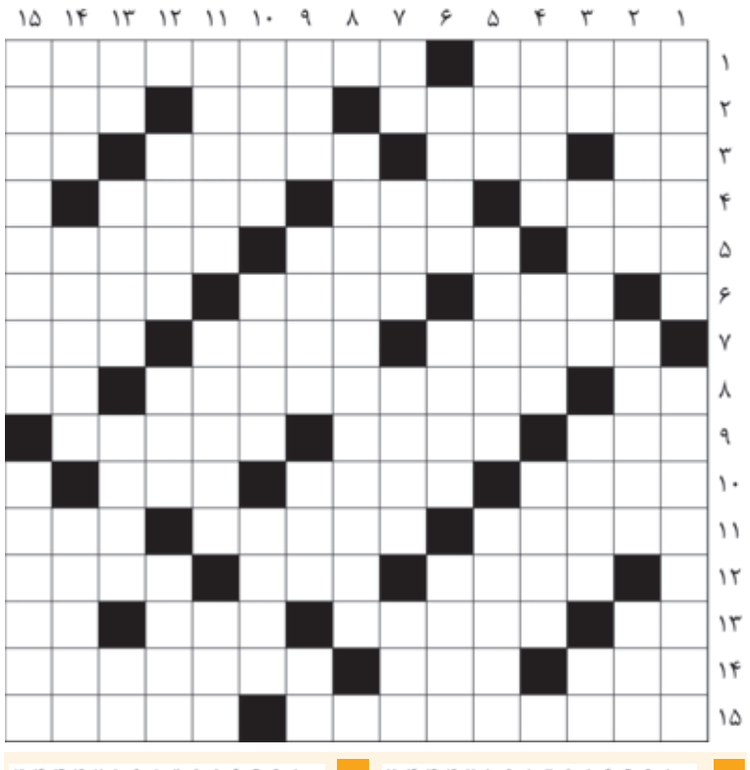

حل جدول عادی شماره ۸۹۱۵

حل جدول ویژه شماره ۸۹۱۵